

شاخص‌های پیشرفت علمی و معرفتی انسان از دیدگاه اسلام*

تاریخ تأیید: ۱۳۹۳/۹/۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۲/۷

محمد جمال خلیلیان اشکذری**

سید حمید جوشقانی نائینی***

چکیده

شاخص توسعه انسانی متعارف با نگرشی خاص و محدود به انسان، تمام هدف‌های شاخص را متوجه اصل رفاه مادی کرده و بُعد روحی و معنوی انسان به عنوان اساسی‌ترین بُعد وجودی وی، مورد غفلت شده است. توجه اسلام به این بُعد، نگاه به جنبه مادی انسان را نیز در دو عرصه فردی و اجتماعی و نقش مکمل آن دو در راه پیشرفت تحت تأثیر قرار داده است. شاخص پیشرفت انسانی اسلام، معیارهای دینداری، علم و معرفت، آزادگی و کرامت و تأمین معاش را مورد تأکید قرار داده که افزون بر غنابخشی به معیارهای شاخص توسعه انسانی متعارف در کنار رفاه نسبی، توجه به دین، معرفت، کرامت و آزادگی را ضروری می‌داند. در تحقیق پیش رو با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به منطق و ملاک انتخاب معیار توجه شده و با عنایت به مبانی پیشرفت از دیدگاه اسلام و به کارگیری روش تحلیلی - توصیفی به تعیین معیار علم و معرفت و شاخص‌ها و نماگرهای سنجش آن پرداخته می‌شود. **واژگان کلیدی:** توسعه، پیشرفت انسانی، سعادت، معیار، شاخص، نماگر، علم و معرفت. **طبقه‌بندی JEL:** 015، p4.

* مقاله پیش رو برگرفته از طرح پژوهشی شاخص پیشرفت انسانی از دیدگاه اسلام است که در مرکز پژوهش کاربردی اقتصادی اجتماعی قدر انجام گرفته است.

** دانشیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع.ا.ه).

*** دانش پژوه دکترا مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع.ا.ه).

Email: m_khalil411@yahoo.com.

Email: mirsady@gmail.com.

مقدمه

تکامل و پیشرفت نه تنها از اساسی‌ترین دغدغه‌های جوامع بشری است؛ بلکه ذهن انسان‌ها را در طول تاریخ به خود مشغول و به هدف آرمانی جوامع تبدیل شده است. پس از آنکه توجه از توسعه اقتصادی به توسعه انسانی معطوف شد، شاخص توسعه انسانی (HDI) در سال ۱۹۹۰ وارد اقتصاد متعارف شد. این شاخص با سه معیار «میزان درآمد سرانه واقعی»، «نرخ باسوادی» و «امید به زندگی در بدو تولد» سنجیده می‌شود. توسعه انسانی غربی بر رفاه مادی انسان‌ها استوار شد و بُعد روحی و معنوی انسان را به فراموشی سپرد؛ چرا که طراحان شاخص پیش‌گفته، نگرشی محدود درباره انسان داشته‌اند.

اشکال پیش‌گفته، براساس نگاه اسلام به پیشرفت انسان نیز به صورت جدی‌تر مطرح می‌شود. اسلام اصل شخصیت انسان را به روح دانسته و در کنار حیات دنیوی از ارائه برنامه زندگی معنوی وی نیز غافل نبوده است. پیشرفت انسانی از دیدگاه اسلام ویژگی‌هایی مانند ایمان، ارزش‌های اخلاقی و مذهبی، آزادی را برای انسان ضروری می‌داند و باور دارد که بُعدهای وجودی انسان بر یکدیگر اثر دارند؛ از این‌رو پیشرفت انسانی در نظر اسلام با توسعه انسانی متعارف حتی در نگاه به جنبه مادی انسان تمایز دارد. فرضیه مقاله این است که از نظر اسلام درجه بالاتری از علم که معرفت است برای پیشرفت و کمال انسان و جامعه لازم است. در این صورت برخی از شاخص‌ها و نماگرهای این معیار نیز متمایز از معیار علم توسعه متعارف می‌شود. به همین منظور مقاله پیش‌رو ابتدا به اختصار زیربنای بحث و سپس ملاک‌های انتخاب علم و معرفت را به‌عنوان معیار مورد اشاره قرار می‌دهد؛ سپس با توجه به منطق حاکم بر انتخاب معیار و مبانی پیشرفت انسان از دیدگاه اسلام به استنباط معیار علم و معرفت و شاخص‌ها و نماگرهای سنجش آن براساس قرآن کریم و سخنان پیشوایان معصوم علیهم‌السلام پرداخته است.

پیشینه تحقیق

با وجود تحقیق‌هایی که چند دهه اخیر درباره توسعه از دیدگاه اسلام انجام شده، بحث از تدوین معیارهای آن چندان مورد بررسی قرار نگرفته است. این خلأ درباره تدوین

شاخص‌های توسعه انسانی با نگرش اسلامی نیز وجود دارد. به چند مورد از تحقیق‌های مرتبط با موضوع اشاره می‌شود:

نصرالله خلیلی (۱۳۸۰) به بیان مبانی توسعه انسانی اسلامی پرداخته و ایمان و عمل صالح را معیارهای آن دانسته و می‌گوید: «ایمان و عمل صالح را با توجه به میزان عمل به فروع دین می‌توان اندازه‌گیری کرد».

محمدجمال خلیلیان (۱۳۹۰ و ۱۳۸۴)، گرچه وارد بحث معیارها نشده اما با طرح ایده شاخص‌های توسعه انسان‌محور، میزان «توسعه‌یافتگی نیروی انسانی»، «تناسب سطح مصرف و رفاه جامعه با معیشت عموم مردم»، «پای‌بندی افراد جامعه به حفظ منافع ملی»، «تعهد و مسئولیت‌پذیری افراد جامعه»، و «کامیابی در رفع فقر و تأمین نیازهای اساسی» را از شاخص‌های اصلی سنجش توسعه اقتصادی یک کشور می‌داند.

همایون‌ا. و سعیده، ف. آنتیتی (۲۰۰۲) با پیشنهاد «شاخص توسعه انسانی اخلاقی»، مقوله‌های ارزشی و دینی را در قالب‌های «توان‌مندی جنسیتی»، «تخریب زیست‌محیطی»، «آزادی‌های مدنی و سیاسی»، «ارزش‌های خانوادگی»، و «نفوذ مذهبی»، به شاخص توسعه انسانی متعارف اضافه می‌کنند. آنها به‌رغم پیشنهاد دو شاخص «نرخ طلاق» و «میانگین سن ازدواج اول»، میزان باروری را به‌عنوان شاخصی برای سنجش ارزش‌های خانوادگی به‌کار گرفته‌اند و میزان نفوذ مذهبی در جامعه را نیز به‌وسیله شاخص دین سنجیده‌اند.

محمدجواد توکلی (۱۳۹۰) در مقاله «روش‌شناسی تدوین شاخص پیشرفت انسانی براساس گفتمان قرآنی» باور دارد که شاخص توسعه و نماگرهای آن، نقشی اساسی در ارزیابی و بهبود میزان پیشرفت کشورها ایفا می‌کنند و تدوین شاخص یک‌پارچه توسعه و پیشرفت، مستلزم پیمودن چهار مرحله مفهوم‌سازی، استخراج معیارها، طراحی نماگرها و یک‌پارچه‌سازی آنها است. وی توسعه جوامع انسانی را به مفهوم تعالی افراد آن برای دستیابی به زندگی پاکیزه در سرزمین پاک و آباد می‌داند و «توان‌مندی اخلاقی»، «توان‌مندی فکری»، «توان‌مندی جسمی - روانی» و «توان‌مندی درآمدی» را به‌عنوان معیارهای چهارگانه پیشرفت انسانی ذکر می‌کند.

شوقی/احمد، دنیا (۱۹۷۹) در کتاب *الاسلام و التنمية الاقتصادية* و جرالدمیر (۱۹۹۵) در کتاب **Leading Issues In Economic Development** به علم و سطح تحصیلات

به‌عنوان شاخصی در تعیین پیشرفت اقتصادی پرداخته‌اند؛ اما اولاً، به‌صورت گذرا و اجمالی است؛ ثانیاً، با دید توسعه اقتصادی متعارف بوده است که متفاوت از توسعه و پیشرفت انسانی است.

تا جایی که بررسی شد، تحقیقی به‌صورت مستقل علم و معرفت را به‌عنوان یکی از معیارهای پیشرفت انسانی از دیدگاه اسلام ذکر نکرده است؛ بنابراین نوآوری تحقیق پیش رو بعد از تبیین ملاک برای انتخاب معیار، توجه مجزا و ویژه به این مقوله است.

مفاهیم و تعاریف

معیار: در تحقیق پیش رو معیار به معنای ضابطه وجودی تحقق امر یا حکمی است و با استنباط شاخص برای سنجش کمی آن می‌توان افراد یا جوامع را با یکدیگر مقایسه کرد.

شاخص: شاخص راهنمای آماری است که تغییرهای یک متغیر را نسبت به زمان پایه نشان می‌دهد (فرهنگ، ۱۳۷۹، ص ۵۴۱ - ۵۴۵). واقع‌نمایی، قابلیت دسترسی، هزینه کم اطلاعات، سهولت درک و استفاده از ویژگی‌های شاخص مناسب است (خلیلیان، ۱۳۹۰، ص ۵۶). شاخص ابزاری برای سنجش کمی معیار مربوطه است.

نماگر: نماگر ابزاری عددی است که به‌صورت منفرد یا با استفاده از نسبت‌های ریاضی، برای سنجش موقعیت و تغییرهای پدیده‌ای طی زمان استفاده می‌شود (صباغی، ۱۳۹۱، ص ۱۰). مقصود از معیار در مقاله پیش رو مفهوم ارزشی و محور کلی است که اسلام برای علم و معرفت یا عملکرد آن معرفی کرده است. شاخص‌ها نماگرهای یکپارچه و کمی هستند که با توجه به جامعیت و کلیتشان وضعیت زیربخش‌های علم و معرفت را ارزیابی و اندازه‌گیری می‌کنند و می‌توانند میزان تحقق معیار را اندازه‌گیری کنند. نماگرها مؤلفه‌های جزئی و علامت‌های نشان‌دهنده میزان تحقق هر شاخص هستند که هر کدام از زاویه‌ای به بررسی بخشی از میزان تحقق شاخص می‌پردازند.

توسعه یا پیشرفت انسانی

توسعه و پیشرفت اغلب به‌صورت مترادف و به معنای رشد، تغییر و گسترش تدریجی، تکامل و شکوفایی به‌کار می‌رود (عمید، ۱۳۴۳، ص ۴۲۸). توسعه در اصطلاح جریان‌ی است که در آن، بُعدهای گوناگون حیات فردی، اجتماعی، مادی و معنوی انسان، منسجم،

هماهنگ و متناسب با هدف‌های تکاملی وی به وضعیت مطلوب تغییر می‌یابد (تودارو، ۱۳۷۰، ص ۲۳ / متوسلی، ۱۳۸۲، ص ۱۲). از آنجا که اصطلاح توسعه در کاربردهای بین‌المللی بار ارزشی خاصی دارد؛ به‌گونه‌ای که در فهم محاوره‌ای، توسعه‌یافتگی با غربی‌شدن همسان تلقی شده، از واژه پیشرفت استفاده می‌شود. پیشرفت افزون بر اینکه فاقد بار معنایی منفی است، بُعدهای مورد نظر توسعه اسلامی را نیز می‌توان در آن لحاظ کرد.

پیشرفت انسانی مطلوب اسلام بُعدهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و علمی دارد که تداوم و پایداری پیشرفت، بستگی تام به حرکت در جهت تمام بُعدها دارد. انسان در برنامه پیشرفت انسانی اسلام در عرصه‌های ذیل مورد مطالعه قرار می‌گیرد:

الف) فردی و اجتماعی؛

ب) مادی و معنوی؛

ج) دنیوی و اخروی.

از نظر اسلام، پیشرفت انسانی فرایند هدایت‌شده‌ای براساس بینش توحیدی است که تغییرهای ساختاری در رفتارهای فردی و اجتماعی انسان پدید می‌آورد تا به‌صورتی پویا و فعال به سمت جامعه‌ای با حیات طیبه حرکت کند.

سعادت

گرایش به سعادت و کمال یکی از گرایش‌های فطری است که در هر انسانی یافت می‌شود و نقطه عطف تمام کوشش‌های انسانی است. به طور کلی بینش‌های مادی که منکر امور معنوی هستند، موضعی مادی‌گرایانه درباره سعادت داشته و مکتب‌های الهی دیدگاهی فراتر از مظاهر مادی و دنیایی در این‌باره دارند. آموزه‌های اسلامی مصداق حقیقی سعادت را قرب به خداوند متعال ﷻ می‌داند که در آن تمام کمال‌های انسانی در بُعدهای جسمی و روحی و فردی و اجتماعی، فعلیت می‌یابد (قمر: ۵۴-۵۵ / جاثیه: ۳۰) لازمه سعادت، تأمین دنیا (معاش) و آخرت (معاد) انسان است. توجه به آموزه‌های دینی از لزوم تأمین معاش در جهت بهره‌مندی بهینه پرهیزگاران از دنیا و تأمین معاد (در قالب دین) برای رسیدن به سعادت حاکی است (یونس: ۶۴ / تمیمی، ۱۴۱۰ق، ص ۲۵۹)؛ بنابراین تقویت عواملی مورد تأکید است که به ارتقای معنویت، اخلاق و حیات طیبه انسانی کمک کرده و زمینه رشد معنوی و قرب انسان و جامعه را فراهم آورد و موانع را برطرف کند (اخترشهر، ۱۳۸۶، ص ۱۷-۱۸).

هدف‌های پیشرفت انسانی از نظر اسلام را می‌توان در دو سطح مطرح کرد:

الف) هدف نهایی که همان سعادت و قرب الهی است.

ب) اهداف میانی:

۱. تأمین نیازهای مادی و رفاه نسبی؛
۲. مکارم اخلاقی و رشد معنویات؛
۳. عدالت اجتماعی؛
۴. آزادی همراه با حفظ آزادگی؛
۵. امنیت و آرامش.

با توجه به بُعدهای پیشرفت انسانی که در بحث پیش مطرح شد، روشن است که هدف نخست مربوط به نیازهای انسان از بُعد جسمانی و شرط تداوم حیات وی همراه با سلامتی است. هدف دومی مربوط به بُعد روحی انسان و تأمین‌کننده خوشبختی و سعادت دنیا و آخرت وی است و دستیابی به هدف سوم و پنجم در بُعد اجتماعی شرط رسیدن جامعه به پیشرفت انسانی است و دستیابی به هدف چهارم معیار انسانی بودن اعمال انسان و ارزش یافتن آنها از دیدگاه اسلامی است. روشن است که دستیابی به این هدف‌ها به تحقق هدف پنجم مشروط و در سایه وجود آن امکان‌پذیر است.

مبانی پیشرفت انسانی اسلام

پیشرفت انسانی از دیدگاه اسلام مانند هر بحثی مبانی فکری دارد که در چهار حوزه معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و ارزش‌شناختی ارائه می‌شود.

معرفت‌شناسی درباره شناخت‌های انسان و ارزش‌یابی انواع و تعیین ملاک صحت و خطای آنها بحث می‌کند (مصباح، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۵۳). تا زمانی که امکان و ارزش شناخت‌های انسان و ابزار مناسب آن و توانایی عقل درباره حل مسائل گوناگون به اثبات نرسیده باشد، هیچ‌گونه قضاوتی درباره صحت یا خطای مسائل پیش‌گفته، ممکن نخواهد بود. «امکان شناخت یقینی» و «استفاده از تمام ابزار شناخت» در شناخت انسان و عوامل کمال و سعادت وی و شاخص‌های پیشرفت انسان و موانع آن از مهم‌ترین مبانی پیشرفت انسانی در حوزه معرفت‌شناختی است.

شناخت صحیح انسان در بحث پیشرفت انسانی مستلزم به‌کارگیری متناسب تمام ابزار شناخت - عقل، حس، شهود عرفانی و وحی و الهام - است (حسین‌زاده، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۴۳). این در حالی است که مبانی فلسفی توسعه متعارف از میان این ابزار فقط دریافت‌های حسی را شناخت و به تعبیر دیگر علم دانسته و درباره ابزار عقل با محدودیت برخورد کرده و ابزار وحی و الهام را غیرعلمی تلقی می‌کند.

در حوزه هستی‌شناختی از شناخت جهان هستی و جایگاه انسان در این نظام بحث می‌شود. مبنا در این‌باره خدامحوری است. این اصل متفرع بر قبول اصل وجود خداوند متعال ﷻ و مسئله توحید در بخش باورهاست. مسئله توحید، محوریت خداوند متعال ﷻ را در بحث پیشرفت انسان مطرح کرده و از طرفی چون خداوند متعال ﷻ خالق است، برای اینکه انسان‌ها زندگی سعادت‌مندانه داشته باشند، برنامه صحیح زندگی را با فرستادن پیامبران در اختیار آنان قرار داده است (ربوبیت و هدایت تشریحی). نگرش خدامحوری در تلقی مفهوم توسعه، عوامل توسعه، هدف از توسعه و پیشرفت، شاخص‌ها و نماگرهای آن تفاوت پدید می‌آورد.

باور به حیات جاودانه یکی از تفاوت‌های هستی‌شناختی است که در درک و تبیین مسائل مربوط به پیشرفت انسان، راه پیشرفت، جنس معیارهای ارزیابی توسعه‌یافتگی جوامع چالش پدید می‌آورد. اسلام اصالت و جاودانگی را از آن زندگی اخروی دانسته و دنیا را پلی برای رسیدن به آن می‌داند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۴، ص ۳۱۹). از دیدگاه اسلام، دنیا مکانی برای تکامل شخصیت انسان است (ابن‌ابی‌جمهور، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۲۶۷).

براساس معیارهای پیشرفت انسانی مبتنی بر آخرت‌گرایی، انسان پیشرفته کسی است که با استفاده صحیح از امکانات و نعمت‌های دنیا و تأمین زندگی طیبه دنیوی برای سعادت زندگی اخروی بکوشد.

جریان سنت‌های الهی مبنای دیگری در باب هستی‌شناسی است. در بررسی قوانین حاکم بر نظام هستی و ظهور و افول تمدن‌ها و تطور انسان، توجه به جریان سنت‌ها نقش اساسی دارد. حکمت و اراده الهی بر این تعلق گرفته که پیشرفت و کمال انسان‌ها و پیشرفت جوامع به اعمال شایسته و سقوط انسان‌ها و انحطاط تمدن‌ها به عملکرد ناشایست آنها وابسته است. سنت‌هایی مانند نزول برکات (اعراف: ۹۶)، تحول و دگرگونی جوامع (رعد: ۱۱)، انفاق

(نساء: ۳۹)، استغفار (هود: ۵۲)، تقوا (طلاق: ۳-۴)، سعی (نجم: ۳۹-۴۱) و ... بر سیر تحول و پیشرفت جوامع انسانی اثر به‌سزایی دارد.

یکی از مسائل زیربنایی علوم انسانی، نوع نگاه به انسان است. نگرش‌های متفاوت به انسان، نتیجه‌های گوناگونی را در حوزه‌های پژوهش درباره رشد و پیشرفت انسانی به دنبال دارد. هدف‌ها و معیارهای پیشرفت از نظر کسی که با دید مادی به انسان نگریسته با انسانی که به‌عنوان موجودی ابدی در نظر گرفته می‌شود و مرگ را سرآغاز زندگی جاودان می‌داند، متفاوت است (رجبی، ۱۳۸۰، ص ۱۶۶-۱۴۹) اختیار، دو ساحتی‌بودن و جاودانگی از بُعدهای انسان‌شناختی است که چگونگی اتخاذ موضع در برابر آنها به شناخت از انسان جهت داده و اثر فراوانی نیز در برنامه پیشرفت وی دارد.

ارزش‌شناختی و بحث از ارزش‌ها از این جهت اهمیت دارد که به هدف تبدیل می‌شوند و در پیشرفت انسانی و انتخاب معیارهای آن اثر دارند. ارزش عبارت از مطلوبیتی است که از انجام افعال اختیاری انسان به راهنمایی عقل و به‌صورت آگاهانه و براساس انگیزه صحیح در جهت خواست متعالی انسان حاصل شود (مصباح، ۱۳۷۶، ص ۴۲). اهمیت و جایگاه ارزش‌ها به‌گونه‌ای است که هر ملتی، هویت و حیات اجتماعی و سیاسی خود را در پای‌بندی به آنها و انتقال کامل آن به نسل‌های آینده می‌داند (مصباح، ۱۳۷۵، ص ۸۴).

از مهم‌ترین بحث‌های ارزش‌شناختی و اساس ارزش‌ها، ایمان است. اعمال انسان بدون ایمان ارزشی ندارد. کسی که به مبدأ و معاد، پیامبران و کتاب‌های آسمانی ایمان نداشته باشد، نه تنها بخش عظیمی از زندگی خود را نادیده گرفته بلکه در حوزه شناخت و بهره‌مندی از حقائق بسیاری محروم شده و به پیشرفت مطلوب انسانی نیز دست نخواهد یافت.

تقوا ارزش دیگری است که در جامعه ایمانی و دینی مطرح می‌شود. تقوا به معنای انجام فرائض الهی و ترک محرمات است (مصباح، ۱۳۷۵، ص ۸۸). تقوا با پیشرفت انسانی رابطه مثبت دارد؛ یعنی میزان رشد و کمال انسان حتی در پیشرفت پایدار مادی به تقوا بستگی دارد. در بحث پیشرفت انسانی اسلام افزون بر تقوای فردی، نیاز به تقوای اجتماعی است. قرآن کریم گشایش انواع برکت‌های آسمان و زمین که در زندگی و تأمین هدف انسان نقش دارند را به ایمان و تقوای جمعی منوط می‌داند (اعراف: ۹۶).

آزادی از دیگر مفاهیم ارزشی است که در نظام فکری اسلام به‌طور ویژه و متفاوت از دیگر نحله‌های فکری توجه شده و بیشتر با اصطلاح «آزادگی» همراه بیان می‌شود؛ از این‌رو مطلوبیت آزادی مطلق نیست، بلکه تا آنجا که ابزاری برای کمال باشد ارزش و پسندیده است (خلیلیان، ۱۳۹۲، ص ۸۸).

عدالت ارزش دیگر در مبانی فکری دین اسلام است. بسیاری از احکام اسلامی حول محور عدالت و در جهت تأمین عدالت در جامعه است؛ از این‌رو تدوین برنامه پیشرفت و ارائه معیار، شاخص و نیز نماگرهای ارزیابی باید بر پایه تأمین عدالت نسل حاضر و عدالت بین نسلی استوار باشد (همان، ص ۸۹).

معیار و منطق انتخاب آن

معیار به اندازه، پیمان، سنگ محک معنا شده است (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۴۵، ص ۷۷۱). در بسیاری از موارد کلمه معیار مترادف با ملاک و در امور غیرحسی به‌کار می‌رود و به معنای ضابطه وجودی تحقق امر یا حکمی است (بهمنی، ۱۳۸۸، ص ۱۷۴). با استنباط شاخص برای سنجش کمی آن می‌توان افراد یا جوامع را با یکدیگر مقایسه کرد: به‌طور کلی معیار دو جنبه دارد:

۱. ارزیابی: ارزیابی وضع موجود از دو جهت امکان‌پذیر است، مقایسه وضع موجود یک جامعه با وضع مطلوب و دیگری مقایسه وضع موجود دو جامعه در راه رسیدن به وضع مطلوب.

۲. هدایت‌گری: یعنی مانند علائم، مسیر را به سمت وضعیت مطلوب نشان می‌دهد.

انتخاب مفاهیمی به‌عنوان معیار بنابر حکم عقل و مطابق با بینش اسلامی باید براساس ملاک‌های ذیل باشد:

رقابت‌پذیری سالم: رقابت باعث پویایی و محرک در رفتار شمرده می‌شود. رقابتی سالم

است که در عین رقابت‌پذیری با محدودیتی همراه نباشد. همت و کوشش هر فرد باعث رقابت است؛ اما چون برای دیگران محدودیت پدید نمی‌آورد، نزاعی نیز پیش نمی‌آید.

تعهد محوری: امور انتخابی به‌عنوان معیار باید بر محوریت تعهد و مسئولیت در برابر

خداوند متعال ﷻ، جامعه و فرد باشد؛ به‌طور مثال، فقط در صورتی معیار پیش‌گفته مطلوب دین را برآورده می‌سازد که برای انسان تعهدآور و باعث حرکت وی در راه کمال نهایی - قرب الاهی - باشد.

جامعیت: معیار انتخابی لازم است در درجه نخست ناظر بر بُعد مادی و معنوی و زندگی دنیوی و اخروی انسان بوده و بین این دو ساحت در مقام عمل، هماهنگی باشد (واسطی، ۱۳۸۸، ص ۶۷-۷۲).

جهان شمولی: باید گستره شمول معیار از حیث زمان و مکان وسیع باشد؛ یعنی قابلیت ارائه برای همه عصرها و نسلها در تمام جوامع را داشته باشد (همان، ص ۳۲).

ارزش مندی در برابر زمان تخصیصی: لحاظ هزینه فرصت یکی از ملاکهای ارزیابی است که در اقتصاد متعارف هم به آن توجه شده است. در آموزه‌های دینی نیز به این مهم توجه شده و از انسان خواسته که انسان عمر خود را به بهایی کمتر از بهشت نفروشد (توبه: ۱۱۱ / مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۴۱). نیز فردی را که دو روزش مساوی باشد و هیچ ارزش افزوده‌ای برای خود پدید نیاورد مغبون می‌داند (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق، ص ۳۴۲).

جامع بین واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی: واقع‌گرایی به وضعیت موجود ناظر است و آرمان‌گرایی وضعیت مطلوب است. در انتخاب معیارها باید متوجه حرکت از موقعیت کنونی فرد و جامعه به سوی وضعیت مطلوب از دیدگاه اسلام بود و از افراط و تفریط به دور بود (واسطی، ۱۳۸۸، ص ۶۲).

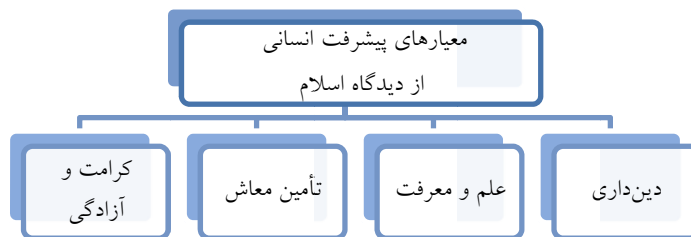
انتخاب معیارهای پیشرفت انسانی اسلام با توجه به نیازهای طبیعی انسان در بُعدهای جسمی، روحی، عقلی با حفظ شأن و منزلت وی در بُعد فردی و اجتماعی است. شاخص پیشرفت انسانی اسلام، معیارهای شاخص توسعه متعارف (سواد، درآمد، بهداشت و سلامت) را به صورت متمایزی دربردارد و با بینش الهی که بر آن حاکم است، معیارهای دیگری را اضافه می‌کند.

جدول ۱: اهم نیازهای انسان



برای پاسخ‌گویی به نیاز جسمی معیار تأمین معاش و برای نیاز عقلی معیار علم و معرفت و برای مطالبه‌های روحی معیار دین‌داری مطرح می‌شود. کرامت و آزادگی به‌عنوان معیار چهارم چون چتری است که بر هر سه معیار در تأمین نیازهای مربوطه سایه افکنده و خواستار حفظ انسانیت انسان در تمام زمینه‌هاست (خلیلیان و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۹۰-۹۷).

جدول ۲: معیارهای پیشرفت انسانی از دیدگاه اسلام



شایان ذکر است معیار علم و معرفت از ملاک‌های پیشین پیروی می‌کند؛ زیرا در عین رقابت‌پذیری، محدودیتی برای فرد و دیگران ندارد. همچنین براساس تعهدمحوری انجام مسئولیت در برابر خداوند متعال ﷻ، جامعه و فرد نیاز به علم و معرفت را ثابت می‌کند. همین‌طور ماهیت علم و معرفت به‌گونه‌ای است که قابلیت ارائه برای تمام عصرها، نسل‌ها و کاربری در تمام جوامع را دارد.

معیار علم و معرفت

تمایل به کسب دانش و تکامل علمی از جمله امور فطری است که خداوند متعال ﷻ در نهاد انسان به ودیعت نهاده است که با کمک آن به جست‌وجوی روابط علی و معلولی پرداخته و افزون بر کشف راه تأمین نیازهای جسمی و روحی خویش از دل طبیعت، باعث معرفت و شناخت خداوند متعال ﷻ نیز می‌شود. انسان در تمام انتخاب‌های خویش و برای رسیدن به هدف باید آگاهی لازم را داشته و با کسب علم و معرفت و تحقیق و بررسی، راه و رسم زندگی فردی، اجتماعی، دنیوی و اخروی خویش را مشخص سازد؛ بنابراین تحصیل علم به‌عنوان یک امر اختیاری و به‌عنوان وسیله‌ای برای رشد ایمان و کمال، مطلوبیت پیدا می‌کند؛ زیرا مراتب علم باعث رشد، استحکام، بقا و بالندگی ایمان می‌شود و سرچشمه حیات و زندگی شایسته مادی و معنوی و فردی و اجتماعی انسان می‌شود (مصباح، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۲۴۸-۲۶۹).

دقت در دو کلمه علم و معرفت از تفاوت معنایی آن دو حاکی است. معرفت عبارت از مجموعه‌ای از حقایق است؛ اما علم جزئی از معرفت است که حقایق آن و نتیجه‌های بحث در آن به صورت فرضیه‌ها و قوانین عمومی قابل بررسی و آزمون به وسیله منطق یا تجربه یا استقرا تنظیم شده باشد (زرقا، ۱۳۸۳، ص ۱۴۵-۱۶۶). علم نسبت به هر چیز، دانستن ویژگی‌های کمی، کیفی، قابلیت‌ها و استعدادهای آن است؛ اما معرفت شناخت هدف غایی و نهایی شیء است که در برگیرنده‌ی علم نیز است؛ چون برای دانستن هدف پدیدساختن شیء باید ابتدا شناخت کیفی از آن شیء موجود باشد. این نوع شناخت از سنخ معارف حصولی صرف نیست بلکه معرفتی وجدانی و حضوری شمرده می‌شود؛ چرا که علم صورت ذهنی و مربوط به عقل است که با استدلال، تأمل‌ها و عملیات ذهنی به دست می‌آید و معرفت برای قلب و با تجلیات الاهی حاصل می‌شود.

معیار بودن علم و معرفت به عنوان یکی از عوامل پیشرفت انسانی از آیه‌ها و روایت‌هایی که با بیان‌های گوناگون به نقش علم و معرفت در زندگی انسان و پیشرفت وی اشاره دارد، قابل استفاده است از جمله:

۱. «آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند برابرنند، همانا صاحبان خرد متذکر می‌شوند» (زمر: ۹). این آیه عظمت مقام علم و عالمان را روشن می‌سازد.
۲. «خدا کسانی را که ایمان آورده‌اند و کسانی را که علم به آنان داده شده به درجاتی (بیشتر) رفعت مقام می‌دهد» (مجادله: ۱۱).

این آیه نیز عالمان با ایمان را بر دیگر مؤمنان به درجاتی برتری داده است؛ البته علم در اصطلاح قرآن کریم و روایت‌ها منحصر در دانستن مجموعه‌ای از اصطلاح‌ها یا روابط مادی میان اشیاء و به اصطلاح علوم رسمی نیست؛ بلکه شامل آن دسته از معرفت‌ها و آگاهی‌های خاص است که برای انسان، شناخت پروردگار و پای‌بندی به فرامین الاهی را به ارمغان می‌آورد. علوم رسمی نیز اگر در جهت چنین معرفتی باشد از دیدگاه اسلامی علم نافع قلم‌داد می‌شود.

۳. قرآن کریم در مقام بیان علت انتخاب طالوت برای فرماندهی، می‌فرماید: خدا او را بر شما برگزیده و وی را در علم و نیروی جسمی فزونی داده و خدا زمامداریش را به هر کس که بخواهد عطا می‌کند و خدا بسیار عطاکننده و داناست» (بقره: ۲۴۷).

۴. زمانی که حضرت یوسف علیه السلام از عزیز مصر درخواست عهده‌داری امور معاش مردم را داشت به ویژگی علم در کنار امانت‌داری اشاره کرد (یوسف: ۵۵).

در روایت‌های پیشوایان معصوم علیهم السلام نیز جهل سرچشمه تمام بدی‌ها معرفی شده است و بر لزوم فراگیری علم برای همگان و تحت هر شرایطی تأکید شده است:

۱. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «علم مایه هر خیری است و جهل مایه هر شری» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۴، ص ۱۷۵).

۲. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «علم‌آموزی بر هر مسلمانی واجب است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۸).

۳. امام علی علیه السلام: «ای کمیل هیچ حرکتی نیست مگر اینکه در آن محتاج معرفت هستی» (محدث‌نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۷، ص ۲۶۸).

۴. امام صادق علیه السلام: «حکمت، گم‌شده مؤمن است؛ پس هر جا آن را یافتید، بگیرید» (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۸، ص ۱۶۷).

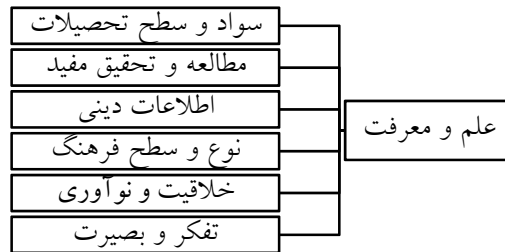
این آموزه‌ها نشان می‌دهد اسلام، دین علم و معرفت است و استمرار هر حرکتی در راه پیشرفت و تکامل به علم و معرفت منوط است. در سایه علم، انسان امور خود را تنظیم کرده و باورهای خود را با دلیل و منطق پذیرفته و ثابت می‌کند؛ بنابراین علم و معرفت معیاری اساسی برای سنجش پیشرفت فرد و جامعه است.

مقصود از معیار علم و معرفت نشان‌دادن جنبه اساسی‌تر بُعد آموزش یعنی گسترش «فرصت شناخت» است. در توسعه انسانی متعارف متغیر آموزش و سطح سواد افراد جامعه جهت نشان‌دادن میزان دستیابی مردم به سطوح گوناگون دانش طراحی شده؛ اما در پیشرفت انسانی مورد نظر اسلام کسب دانش و سواد یگانه شرط لازم - نه کافی - برای وصول به علم و معرفت تلقی می‌شود.

شاخص‌های علم و معرفت

میزان علم و معرفت افراد جامعه به وسیله شاخص‌های جدول ۳ قابل ارزیابی است. این شاخص‌ها چون کلی و کیفی هستند، نیاز به نماگرهایی دارند که در ادامه خواهد آمد.

جدول ۳: شاخص‌های علم و معرفت



۱. سواد و سطح تحصیلات

سوادآموزی مهم‌ترین ابزار برای یادگیری و پایه‌ریزی دانش است و افزایش تحصیلات، انسان را درباره عملکرد مؤثر و مفید فردی و اجتماعی‌اش توانا می‌سازد. در برابر، بی‌سوادی معضلی برای فرد و جامعه و از جمله موانع پیشرفت است که به‌طور معمول باعث مشکل‌هایی مانند فقر، بیکاری و ... می‌شود.

تحصیل نیز در مفهوم عام آن، شکلی از یادگیری دانش، مهارت‌ها و عادت‌هاست که از راه آموزش یا پژوهش منتقل می‌شود (Dewey, pp.1-4).

سوادآموزی و کسب دانش در دین مقدس اسلام جایگاه والایی دارد. پیامبر گرامی اسلام ﷺ در جنگ بدر شرط آزادی هر اسیری را باسواد کردن ده نفر از مسلمانان قرار دادند (سبحانی، ۱۳۷۱، ص ۲۴۷).

رابطه شاخص با پیشرفت انسانی

امروزه بر اثر سرمایه انسانی و آموزش در رشد اقتصادی و توسعه انسانی تأکید فراوانی می‌شود. سواد و کسب دانش افزون بر تربیت و آماده‌کردن نیروی انسانی ماهر، باعث گسترش مرزهای دانش شده و هر دو در پیشبرد برنامه پیشرفت انسانی از نظر اسلام اثر به‌سزایی دارد. خواندن و نوشتن مقدمه تمام تحقیق‌ها و پژوهش‌هاست و پیشرفت‌های صنعتی و فناوری بدون سواد خواندن و نوشتن متصور نیست. از سوی دیگر سواد و تحصیلات عالیه زمینه اعتلای ویژگی‌های اخلاقی را در انسان که مورد اهتمام برنامه پیشرفت انسانی است، هموار می‌کند. بنابراین سطح سواد و تحصیل با پیشرفت انسانی از جهت؛ مادی، معنوی، فردی و اجتماعی و در بُعدهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی ارتباط مستقیم دارد.

نماگرهای سواد و سطح تحصیلات

برای بررسی وضعیت آموزش، در توسعه انسانی متعارف از دو نماگر «متوسط سال‌های آموزش» و «سال‌های مورد انتظار آموزش» استفاده می‌شود که اولی وضعیت بالفعل و دومی امکانات آموزشی بالقوه هر کشور را می‌سنجد (UNDP, 2010).

براساس برنامه پیشرفت انسانی از دیدگاه اسلام علاوه بر استفاده از این دو نماگر می‌توان از نماگرهایی چون «درصد افراد با تحصیلات عالی یا مشغول به آن»، «نسبت تخصص‌های موجود به تخصص‌های مورد نیاز» و «میزان وجود دوره‌های آموزش تکمیلی به مقدار مورد نیاز» استفاده کرد.

جدول ۴: نماگرهای سواد و سطح تحصیلات

نماگر	شاخص	معیار
متوسط سال‌های آموزش	سواد و سطح تحصیلات	علم و معرفت
سال‌های مورد انتظار آموزش		
درصد باسوادان جامعه		
درصد افراد با تحصیلات عالی یا مشغول به آن		
نسبت تخصص‌های موجود به تخصص‌های مورد نیاز		
میزان وجود دوره‌های آموزش تکمیلی به مقدار مورد نیاز		

۲. مطالعه و تحقیق مفید

نقش مطالعه و تحقیق در یادگیری و دست‌یافتن به نکته‌های تازه بر کسی پوشیده نیست. در همه جوامع بر اهمیت مطالعه و تحقیق تأکید شده؛ زیرا باعث رشد و شکوفایی علم، فناوری و فرهنگ می‌شود. اگر علم و دانش اندک انسان با مطالعه، یادگیری و تحقیق تکمیل و افزوده نشود، انسان قادر نخواهد بود از حقایق هستی باخبر و بهره‌مند شود. نقطه آغاز رسالت و دعوت در اسلام بر مبنای خواندن و مطالعه شکل گرفت (علق: ۵-۱). توصیه‌های ارزنده‌ای در آموزه‌های دینی در اهمیت مطالعه، تحقیق، فراهم‌آوردن ابزار و زمینه‌های آن و ارزش مصاحبت با کتاب آمده است (لیثی، ۱۳۷۶، ص ۱۹). اسلام، نه تنها فهم قرآن کریم را وابسته به مطالعه و تدبر در آن می‌داند (مزمّل: ۴) بلکه در متن قرآن کریم بر مطالعه و بررسی جلوه‌های گوناگون طبیعت با تعبیرهای گوناگون سفارش شده است.

مطالعه، کوششی همراه با فعالیت مفید فکری برای درک کردن، اطلاع یافتن و آگاه شدن است و انسان را در تعیین سرنوشت خویش و جامعه‌اش یاری می‌کند (صافی، ۱۳۸۰، ص ۹). در این میان مطالعه مفید، پویایی فکر و پاکیزگی درون را به دنبال دارد و دیدگان افراد را به دنیای تازه‌ای گشوده و فرصت‌های جدیدی را فراهم می‌کند (اس.پنگ، ۱۳۸۴، ص ۹). گفتنی است مطالعه‌ای را می‌توان مفید دانست که؛ اولاً، معطوف به اثر و نتیجه بوده و دستاوردی علمی، عملی، ذهنی یا قلبی داشته باشد؛ ثانیاً، آن دستاورد برای تربیت انگیزه، افزایش تعهد، ارتقای توانایی ذهنی، توسعه دانش کاربردی، ارتقای مهارت عملی بوده و سرانجام در جهت پرورش و تعالی فرد، در جهت به فعلیت رساندن استعدادها الهی وجود وی در یکی از زمینه‌های پیش‌گفته باشد (عمرانی، ۱۳۹۱، ش ۱۱۰).

مطالعه از آن جهت بسیار ارزشمند و بااهمیت است که اندیشه‌وران، سال‌ها از عمر خود را با صبر در برابر مشکل‌ها، صرف تحقیق و پژوهش کرده و نتیجه کارشان را جهت ارتقای آگاهی انسان و زمینه‌سازی تحول‌های علمی و عملی در اختیار دیگران قرار می‌دهند؛ از این‌رو میزان مطالعه و عادت به تحقیق در بین افراد، یکی از راه‌های سنجش پیشرفت میزان علم و معرفت است.

رابطه شاخص با پیشرفت انسانی

مطالعه سیر تحول علوم و تاریخ تمدن جوامع نشان می‌دهد، کشورهایی در علم و تمدن پیشرفت داشته‌اند که عادت به مطالعه و تحقیق جزء برنامه روزمره اکثر آنها بوده است. با وجود اهمیت مطالعه و پژوهش و نقش آنها در شکل‌گیری شخصیت فرد و جامعه مشکل‌هایی در اغلب جوامع به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه وجود دارد از جمله:

الف) فراهم نبودن بستر مناسب مطالعه و تحقیق و ابزار لازم برای آن؛

ب) عدم تمایل به مطالعه در بسیاری از افراد؛

ج) سطحی، کم‌فایده یا بی‌فایده و حتی مضربودن مطالعه بسیاری از افراد و نیز غیرکاربردی، تکراری و گسسته از فضای کار و صنعت و بی‌ارتباط بودن بسیاری از تحقیق‌ها با نیازهای جامعه.

امروزه برنامه‌ریزی برای نهادینه کردن مطالعه و برگزاری دوره‌های آموزشی پژوهش‌محور، یک هدف آموزشی مهم در شاخص پیشرفت انسانی تلقی می‌شود؛ بنابراین لازمه پیشرفت

همه‌جانبه و حل مشکل‌های زندگی انسان و رسیدن به کمال و درجه‌های بالای علمی و معنوی، مطالعه مفید همراه با تفکر و تحقیق است؛ چرا که رشد و شکوفایی استعدادها، توانایی و دانش هر انسان به کمیت و کیفیت مطالعه و پژوهش او بستگی دارد.

نماگرهای مطالعه و تحقیق مفید

درباره مطالعه و تحقیق مفید می‌توان از نماگرهای جدول ذیل استفاده کرد:

جدول ۵: نماگرهای مطالعه و تحقیق مفید

معیار	شاخص	نماگر
علم و معرفت	مطالعه و تحقیق مفید	میزان مطالعه روزانه هر فرد در دوره معین
		میزان انتشار کتاب و مقاله‌های علمی در دوره معین
		نسبت زمان مطالعه مطالب مفید به کل آن در دوره معین
		سرانه مطالعه و تحقیق مفید
		سرانه استفاده از کتاب، نشریات و سایت‌های علمی در دوره معین
		میزان تألیف کتاب و مقاله‌های علمی در دوره معین
		نسبت هزینه مطالعه و پژوهش خانوار به کل هزینه‌ها در دوره معین

۲۱

فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی / شاخص‌های پیشرفت علمی و معرفتی...

۳. اطلاعات دینی

میزان اطلاعات دینی افراد شاخص دیگر سنجش معیار علم و معرفت در دو بُعد فرد و جامعه است. دین اسلام بر لزوم فراگیری آموزه‌های دینی در هر سه حوزه عقاید، اخلاق و احکام و نشر آن تأکید کرده است (توبه: ۱۲۲ / طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۴۰۴).

در روایت‌ها نیز بر کسب اطلاعات دینی تأکید شده است. امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «کسی که نسبت به یادگیری امور دینی بی‌مبالاتی کند، خطاهای وی بیشتر از کارهای شایسته‌اش خواهد بود» (مؤسسه اهل‌البیت علیهم السلام، ۱۴۰۶ق، ص ۳۳۷). حضرت علی علیه السلام نیز بارها خطاب به تاجران کوفه می‌فرمود: «اول فقه بیاموزید؛ سپس مشغول تجارت شوید. به خدا قسم که نفوذ ربا در معامله‌های این امت، مخفی‌تر از حرکت مورچه بر سنگ صاف سیاه است» (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۱۵۰).

اهمیت داشتن اطلاعات دینی در شرع مقدس اسلام به اندازه‌ای است که عالمان دین پذیرش تقلیدی مسائل اعتقادی و ضروریات دینی را جایز ندانسته و بر لزوم استدلالی بودن آن از طرف هر مکلفی اشاره کرده‌اند و یادگرفتن آن دسته از احکام فقهی را که اغلب انسان به آنها احتیاج دارد، واجب می‌دانند (توضیح المسائل مراجع).

رابطه شاخص با پیشرفت انسانی

برخورداری یک فرد یا افراد جامعه از اطلاعات دینی شرط لازم برای پیشرفت مادی و معنوی آنهاست؛ چرا که سعادت حقیقی هر فرد و جامعه در دنیا و آخرت فقط در گرو عمل به دستورهای فردی و اجتماعی دین و تحقق سبک زندگی اسلامی است و این مهم فقط با شناخت احکام و معارف دینی امکان‌پذیر است. امام باقر علیه السلام یکی از عوامل رسیدن به کمال حقیقی انسان را معرفت عمیق دین (تفقه در دین) معرفی می‌کند (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۳۲).
عدم اطلاعات کافی و استدلالی درباره باورهای دینی باعث انحراف از راه صحیح عقیدتی و فکری با کوچک‌ترین شبهه‌ای می‌شود و جامعه‌ای که از آن بی‌بهره یا کم‌بهره باشد، نمی‌تواند در برابر اندیشه‌های باطل استقامت کند؛ در نتیجه مغلوب فرهنگ‌های بیگانه خواهد شد.

نماگرهای اطلاعات دینی

میزان اطلاعات دینی افراد جامعه را می‌توان با تهیه پرسشنامه برای سطوح سنی گوناگون درباره احکام و معارف دینی مورد سنجش قرار داد. برای سنجش این مقوله در سطح اجتماعی نیز می‌توان با انتخاب یک جامعه آماری از نماگرهای جدول ذیل استفاده کرد:

جدول ۶: نماگرهای اطلاعات دینی

نماگر	شاخص	معیار
میانگین میزان اطلاعات دینی افراد جامعه درباره احکام و باورها	اطلاعات دینی	علم و معرفت
درصد صحت اعمال		
تعداد جلسه‌های دینی برگزار شده و میزان مشارکت در آنها		
میزان مطالعه مطالب مذهبی و خرید کتب و مجله‌های دینی		

۴. نوع و سطح فرهنگ

واژه فرهنگ در لغت در معانی گوناگونی مانند ادب، تربیت، دانش، علم، معرفت، آداب و رسوم (معین، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۲۵۳۸) به کار رفته و در اصطلاح مجموعه پیچیده‌ای است که شامل معارف، باورها، هنرها، تکنیک‌ها، اخلاق، قوانین، سنن و سرانجام تمام عادات‌ها و ضوابطی است که انسان آن را از جامعه خود فرا گرفته و در برابر آن جامعه تعهدهایی به عهده دارد (روح‌الامینی، ۱۳۷۹، ص ۱۸).

درباره فرهنگ جوامع دو نکته قابل توجه است: الف) جامعه‌ای را نمی‌توان یافت که هیچ فرهنگی نداشته باشد. ب) نوع فرهنگ‌های موجود در جوامع از لحاظ کیفیت و گستره، نشانگر نگرش‌ها و رفتارهای هستی‌شناختی یک فرد و جامعه است.

فرهنگ اسلامی تمام باورها، عادات‌ها، آداب و رسوم و ارزش‌های حاکم بر جامعه است که همراه با رعایت حدود و قوانین اسلامی براساس قرآن کریم و سنت پدید آمده باشد (خلیلیان، ۱۳۸۱، ص ۳۶).

شایان ذکر است با ملاحظه باورها، عادات‌ها، آداب و رسوم و ارزش‌های گوناگون در جوامع گوناگون فقط فرهنگ‌های دارای سرچشمه و حیانی و عقلانی با فطرت انسانی موافق بوده و باعث پیشرفت فردی و اجتماعی هستند.

برای ارزیابی فرهنگ‌های موجود در جوامع باید آنها را به آموزه‌های اسلامی عرضه کرد و با توجه به میزان تطابق و فاصله با این آموزه‌ها، درباره مفید یا مخرب بودن آنها قضاوت کرد.

رابطه شاخص با پیشرفت انسانی

نوع و سطح فرهنگ هر جامعه تعیین‌کننده افکار، باورها، آداب و رسوم، کیفیت اخلاق و رفتار افراد آن است که اگر مناسب و هماهنگ با پیشرفت انسانی باشد، تسهیل‌کننده این راه خواهد بود؛ به‌طور نمونه، راه پیشرفت انسانی برای یک جامعه سخت‌کوش با اخلاق و قانون‌مدار هموار بوده و پیمودن آن با وجود نهادهای قانونی مناسب تسهیل می‌شود. برعکس اگر افراد یک جامعه کار و کوشش را جدی نگرفته یا در باورها و ارزش‌های اخلاقی دچار اختلاف باشند، حرکت در جهت هدف‌های مورد نظر کند و به عقب‌ماندگی می‌انجامد؛ بنابراین پویایی، هماهنگی و شکوفایی عناصر فرهنگی عامل مهمی در پیشرفت

انسانی فرد و جامعه است و در این جهت تربیت صحیح کودکان در خانواده، مدرسه و رسانه‌ها بالاترین نقش را دارد.

نماگرهای نوع و سطح فرهنگ

جهت ارزیابی و سنجش نوع و سطح فرهنگ می‌توان از نماگرهای جدول ذیل استفاده کرد:

جدول ۷: نماگرهای نوع و سطح فرهنگ

نماگر	شاخص	معیار
میزان رعایت نظم و انضباط اجتماعی	نوع و سطح فرهنگ	علم و معرفت
میزان تولید برنامه‌های رسانه‌ای مفید		
میزان استفاده از برنامه‌های رسانه‌ای مفید		
میزان رواج خرافه‌ها در جامعه		
میزان رعایت انضباط مالی (به‌ویژه درباره اموال عمومی و بیت‌المال)		
درصد افراد دارای وجدان کاری		
درصد افراد امین، رازدار و امانت‌دار در جامعه		
درصد افراد مقید به آداب اسلامی در جامعه		

۵. تفکر و بصیرت

بصیرت در لغت به معنای باور قلبی، شناخت، دانایی، بینایی، هوشیاری، معرفت و درک است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۴۱۸ / معین، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۵۳۴) حضرت علی علیه السلام انسان بصیر را کسی می‌داند که بشنود و ببیند، نگاه کند و ببیند، از عبرت‌ها بهره گیرد آن‌گاه راه‌های روشنی را ببیند و به این ترتیب از افتادن در پرتگاه‌های هلاکت و گمراهی مصون ماند (رضی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۱۳). امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام تفکر را اصل و ریشه بصیرت و زیادی تفکر را عامل نیکویی آن معرفی کرده است (تمیمی، ۱۴۱۰ق، صص ۵۷، ۶۰ و ۴۲۱ / کلینی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۶۰۰).

موضوع تفکر و بصیرت در زندگی انسان‌ها به‌ویژه در جامعه اسلامی به‌علت گستره وسیع حق و باطل و فتنه‌های پی‌درپی اهمیت ویژه‌ای دارد. در صورتی که افراد جامعه بصیرت و قدرت تفکر کافی نداشته باشند، هدف‌های عالیه احکام و دستوره‌های دینی که همان ترویج و التزام به حق و معروف و پرهیز از منکرات است، محقق نخواهد شد.

دشمن‌شناسی و اتخاذ راهکار مناسب از بارزترین مؤلفه‌های بصیرت است. به همین علت در آموزه‌های دینی تمام افراد جامعه به بصیرت سفارش شده‌اند (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۵۴۹ / مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۵، ص ۹۲ و ج ۹۴، ص ۲۵۱). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید: «آگاه باشید، عاقل‌ترین مردم کسی است که خدایش را بشناسد و از وی پیروی کند و دشمنش را شناخته و از وی نافرمانی کند» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴، ص ۱۸۱).

شایان ذکر است که براساس آموزه‌های اسلامی یاد خداوند متعال صلی الله علیه و آله (تمیمی، ۱۴۱۰، ص ۱۸۹)، توجه به آیه‌های الاهی (سجده: ۲۷ / اسراء: ۵۹، ۱۰۱ - ۱۰۲)، تقوا (اعراف: ۲۰۱)؛ تبعیت از قرآن کریم (اعراف: ۲۰۳)، عدم دل‌بستگی به دنیا (تمیمی، ۱۴۱۰، ح ۳۹۱) از عوامل تفکر و بصیرت است که تحقق آن باعث آثاری از جمله عبرت‌آموزی (آل‌عمران: ۱۳ / نور: ۴۴ / حشر: ۲)، جلب منفعت (انعام: ۱۰۴) باعث هدایت و دفع فتنه (شریف رضی، ۱۴۱۴، ص ۴۹۹) می‌شود.

رابطه شاخص با پیشرفت انسانی

در انتخاب راه درست پیشرفت، «تفکر و بصیرت» در درجه نخست اهمیت قرار دارد؛ از این‌رو، روایت‌های متعددی فقدان بصیرت و تفکر را باعث گمراهی و دورشدن از راه پیشرفت و تکامل فرد می‌داند (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۴۴ / حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۷، ص ۱۶۶). پدیدساختن مانع در راه پیشرفت جامعه از دیگر پیامدهای منفی وجود افراد جاهل و بی‌بصیرت است. امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «دو چیز کمرم را شکست: عالم فاسقی که فسقش، دیگران را از علمش منع می‌کند و عامل جاهلی که به واسطه عمل، دیگران را به جهل خود دعوت می‌کند» (ورّام، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۸۲).

امام باقر علیه السلام نیز بصیرت و بینش را، به مثابه نوری می‌داند که شخص را برای زندگی سالم و سازنده در جامعه، تشخیص حقیقت، ارائه رأی و نظر و اتخاذ تصمیم صحیح یاری

می‌کند (ابن‌بابویه، ج ۱، ص ۳۷۹)؛ از این‌رو بصیرت انسان را در پیمودن راه تعالی و پیشرفت از ابتلای به راه‌های انحرافی و سقوط به دره‌های نادانی حفظ می‌کند و هر اندازه بصیرت انسان بیشتر باشد، تعالی و پیشرفت فردی و اجتماعی سریع‌تر است.

نماگرهای تفکر و بصیرت

نماگرهای گوناگونی برای ارزیابی و سنجش سطح اندیشه و بصیرت افراد جامعه می‌توان مطرح کرد که برخی از آنها عبارت است از:

جدول ۸: نماگرهای اندیشه و بصیرت

نماگر	شاخص	معیار
میزان تشکیل و شرکت در کرسی‌های نظریه‌پردازی و آزاداندیشی	تفکر و بصیرت	علم و معرفت
میزان تشکیل و شرکت در جلسه‌های علمی (درصد افراد شرکت‌کننده از جامعه آماری معین و تعداد جلسه‌های در دوره زمانی معین)		
نسبت نظریه‌پردازان به کل جامعه علمی (درصد نظریه‌پردازان)		
میزان متابعت از شایعه‌ها و خرافه‌ها در جامعه		
درصد افراد در راه ولایت در فتنه‌ها و بحران‌های اجتماعی		
درصد افراد آینده‌نگر و عاقبت‌اندیش (درصد افراد مواظب هزینه زندگی)		
میزان مشورت با افراد آگاه و بصیر		
میزان رعایت قاعده تقدیم اهم بر مهم در میان افراد جامعه		

درباره دو نماگر «مشورت با افراد آگاه و بصیر» و «تقدیم قاعده اهم بر مهم» توضیح بیشتری ذکر می‌گردد.

مشورت با افراد آگاه و بصیر

آموزه‌های اسلامی انسان عاقل را بی‌نیاز از مشورت ندانسته و هیچ پشتیبانی را محکم‌تر از مشاوره نمی‌داند (تمیمی، ۱۴۱۰ق، ص ۷۷۸ / کلینی، ۱۳۷۵، ج ۸، ص ۲۰). خداوند متعال ﷻ در قرآن کریم پیامبر اکرم ﷺ را به مشورت سفارش کرده و نیز در مقام وصف جامعه ایمانی به ویژگی مشورت اشاره می‌کند که نشان از اهمیت امر مشورت در جامعه اسلامی دارد (آل عمران: ۱۵۹).

آموزه‌های اسلامی انسان عاقل را بی‌نیاز از مشورت ندانسته و هیچ پشتیبانی را محکم‌تر از مشاوره نمی‌داند (تمیمی، ۱۴۱۰ق، ص ۷۷۸ / کلینی، ۱۳۷۵، ج ۸، ص ۲۰).

نهاده‌ی‌کردن شور و مشورت و ارتقای این فرهنگ در جامعه با برنامه پیشرفت انسانی ارتباط مستقیم دارد. مشاوره در بررسی جوانب گوناگون مسئله استفاده از اندیشه‌ها و دیدگاه‌های متفاوت؛ در نتیجه شکوفایی عقل و تدبیر بهتر امور، نقش مهمی دارد؛ چرا که انسان را قادر می‌سازد تا با جمع کردن نظرها و هم‌فکری، راه‌های جدیدی را به روی خود بگشاید* (مصباح‌الشریعه، ۱۴۰۰ق، ص ۱۵۲-۱۵۳)؛ بنابراین انسان‌هایی که در امور خود مشاوره کرده اغلب از شکست در امان هستند (حرّانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۰۶)؛ زیرا استفاده از تجربه‌های دیگران میزان اشتباه انسان را کاهش می‌دهد.

تقدیم اهم بر مهم

تقدیم اهم بر مهم از جمله قاعده‌های عقلایی و فقهی است (مکارم‌شیرازی، ۱۴۲۵ق، ص ۱۴۳) که درباره فعالیت شخصی و انسان با دیگر افراد جامعه مطرح می‌شود. مفهوم و محتوای قاعده این است که چنان‌که انسانی در موردی با چند گزینه روبه‌رو است و فقط توانایی بر انجام یکی از آنها را دارد، به آن عملی اقدام کند که در آن مصلحت و منافع برتر و بالاتری باشد.

در آموزه‌های دینی و سیره پیشوایان معصوم علیهم‌السلام با مواردی که به این قاعده عقلی توجه شده روبه‌رو می‌شویم؛ به‌طور مثال حضرت علی علیه‌السلام علت عدم اقدام نسبت به حق خود بعد از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را ترس از ارتداد و کفر مردم، عنوان کردند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳، ص ۱۷۱)؛ چرا که حضرت می‌دیدند اگر در شرایط آن زمان نسبت به گرفتن حق خود اقدام کنند، اصل دین با خطر روبه‌رو می‌شد.

این قاعده درباره فعالیت یک فرد نیز مصداق دارد. به این صورت که فرد مسلمان درباره فعالیت‌های روزمره و عادی، به نتیجه و برآیند عمل خود توجه کند. چنان‌که کار

* قَالَ الصَّادِقُ علیه‌السلام: ... فِي الْمُشَاوَرَةِ اكْتِسَابُ الْعِلْمِ وَالْعَاقِلُ مَنْ يَسْتَفِيدُ مِنْهَا عِلْمًا جَدِيدًا وَيَسْتَدِلُّ بِهِ عَلَى الْمَحْضُولِ مِنَ الْمُرَادِ.

مورد نظر به نفع وی است؛ اما با مصالح عمومی در تضاد است قاعده، مقتضی ترجیح منافع عمومی بر نفع شخصی است یا اگر فقط بعد مادی و دنیوی را تأمین کرده و باعث ضرر به بُعد معنوی خود و جامعه‌اش یا باعث تباه‌شدن آخرت وی و نزدیکانش می‌شود، آن کار را رها و به کاری پردازد که جامع بین نفع عمومی و شخصی، بُعد مادی و معنوی و دنیا و آخرت باشد یا حداقل در جهت ضد منافع عمومی و مصالح آخرتی نباشد.

در رفتارهای فردی و اجتماعی آنچه مورد نگرانی می‌باشد این است که بسیاری از مردم اهمّ را رها کرده و به امور کم‌اهمیت یا حتی بی‌اهمیت مشغول می‌شوند. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید «کسی که به امور غیرمهم مشغول شود، همانا امر مهم‌تر (اهم) را ضایع کرده است» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۴۶۰). نیز با اینکه نسبت به علم‌آموزی در اسلام اهمیت و تأکید فراوان شد، از حضرت روایت است که «عمر کوتاه‌تر از آن است که به هرچه دانستنش برای نیکوست علم پیدا کنی؛ پس اهم فالا هم را در علم‌آموزی رعایت کن» (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۲۰، ص ۲۶۲).

میزان توجه افراد جامعه به «تقدیم اهم» را می‌توان در موارد کلی ذیل دنبال کرد:

الف) تقدیم منافع جامعه بر منافع فردی؛

ب) تقدیم مصالح معنوی بر منافع مادی؛

ج) تقدیم منافع اخروی بر دنیوی.

۶. خلاقیت و نوآوری

واژه خلاقیت، نوآوری و ابداع در محاوره به یک معنا استعمال می‌شود؛ اما در حقیقت تعریف‌های جداگانه‌ای دارند. نوآوری یا ابداع پدیدساختن شی بدون سابقه و الگوی پیشین است (راغب‌اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۷) و در اصطلاح به معنای نوآوری در علوم کاربردی است که شامل اختراع، اکتشاف و نوآوری در حوزه علوم انسانی از جمله در حوزه دین* می‌شود (عسکری، ۱۴۰۰ق، ج ۱، ص ۳۵۳).

* نوآوری در دین به معنای فهم عمیق و جدیدی از دین است که در چارچوب اصول، ارزش‌ها و رعایت حدود الهی پدید می‌آید. نوآوری و ابداع پیش‌گفته بدعت نیست.

خلاقیت، ناشی از قوه عقلانی یا توانایی ذهنی فرد است که از راه قیاس و استقراء، ایده‌ها و اندیشه‌ها را با روشی جدید ترکیب یا بین آنها پیوستگی پدید آورده؛ به گونه‌ای که به کشف امور مجهول (جهانی، ۱۳۸۸، ص ۱۴) یا پدید آمدن یک ایده، مفهوم، کالا یا کشفی بدیع (شهرآرای و مدنی‌پور، ۱۳۷۵، ص ۳۹) می‌انجامد؛ بنابراین در تفاوت این دو می‌توان گفت که خلاقیت اشاره به قدرت پدید آوردن اندیشه‌های نو دارد و نوآوری به معنای کاربردی ساختن آن اندیشه‌ها در علوم گوناگون است (آقایی‌فیشانی، ۱۳۷۷، ص ۲۶). بر این اساس خلاقیت را می‌توان بستر رشد و پیدایش نوآوری دانست.

خداوند متعال ﷻ به انسان نعمت خلاقیت و ابتکار داده است؛ بنابراین انسان قادر است شکل تولید و توزیع نیازهای خود را تکامل بخشیده، ابزار و وسایل بهتری اختراع کند. تاریخ گویای این واقعیت است که از رهگذر خلاقیت و نوآوری، انسان عهد جنگل تا عهد اتم در بُعد مادی و اجتماعی تغییرهای فراوانی کرده و زندگی مرفه و جامعه متمدن را برای خود پدید آورده است (مطهری، ۱۳۶۸، ص ۳۷-۴۰).

بنابراین دستاوردهای جامعه بشری، وابسته به میزان خلاقیت و نوآوری و تربیت نیروهای نوآور و سخت‌کوش است؛ البته این به معنای نادیده گرفتن اصول و مبانی و ترک سنت‌های نیک گذشته و خروج از چارچوب شریعت و احکام الهی نیست.

رابطه نماگر با پیشرفت انسانی

از آنجا که خلاقیت و نوآوری مستلزم ارائه نظریه یا راهکار جدید است که افراد را به سمت و سوی تازه‌ای در بهره‌مندی مفید، کم‌هزینه و میان‌بر از موهبت‌های الهی و دستاوردهای بشری سوق داده یا باعث نوآوری‌های جدید درباره صنعت و فناوری و نیز روابط اجتماعی و فرهنگی می‌شود؛ بنابراین خلاقیت و نوآوری باعث پیشرفت همه‌جانبه و مستمر و پایدار شده و باعث افزایش آگاهی، تحرک و پویایی در فرد و جامعه است.

نماگرهای خلاقیت و نوآوری

سنجش میزان خلاقیت و نوآوری با نماگرهای مطرح در جدول ذیل امکان‌پذیر است:

جدول ۹: نماگرهای خلاقیت و نوآوری

نماگر	شاخص	معیار
میزان ابداع و اختراع (در دوره معین)	میزان نوآوری	میزان علم و معرفت
نسبت اختراعاتها به جامعه علمی (در دوره معین)		
میزان کارآفرینی و پدیدساختن اشتغال (در دوره معین)		
میزان شیوه‌های ابداعی برای حل مشکل‌های اجتماعی (در دوره معین)		

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در اسلام علم و سواد جنبه مقدماتی برای رسیدن به مقاصد عالی‌تر انسانی دارد. انسان باید با استفاده از امکانات مادی که در پرتو دانش و فناوری به دست می‌آورد؛ اولاً، راه کمال و پیشرفت خود را تشخیص دهد؛ ثانیاً، در آن راه گام برداشته و به مراتب کمال و قرب الهی نائل شود و در پیشرفت جامعه اسلامی نیز نقش ایفا کند. راه حصول به این مهم نیز تحول و تکامل علم به معرفت است. از این لحاظ علم، شرط لازم برای رسیدن جامعه به معرفت است نه شرط کافی برای آن؛ از این رو پیشنهاد می‌شود که نظام آموزشی جوامع اسلامی با رویکرد تربیتی و تعمق‌بخشی معارف دینی و در جهت تقویت روحیه خلاقیت و نوآوری برنامه‌ریزی شود.

منابع و مأخذ

۱. آقایی فیشانی، تیمور؛ خلاقیت و نوآوری در انسان‌ها و سازمان‌ها؛ تهران: انتشارات ترمه، ۱۳۷۷.
۲. ابن‌ابی‌الحدید؛ شرح نهج‌البلاغه؛ قم: انتشارات آیت‌الله مرعشی‌نجفی رحمته‌الله، ۱۴۰۴ق.
۳. ابن‌ابی‌جمهور، محمد؛ عوالمی‌اللائی؛ قم: سیدالشهداء، ۱۴۰۳ق.
۴. ابن‌بابویه (شیخ صدوق)؛ الخصال؛ قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲.
۵. _____؛ معانی الأخبار؛ تصحیح علی‌اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ق.
۶. _____؛ من‌لایحضره‌الفقیه؛ ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.

۷. ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی؛ تحف العقول؛ تحقیق علی اکبر غفاری؛ قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
۸. ابن منظور؛ لسان العرب؛ تصحیح جمال‌الدین میردامادی؛ چ ۳، بیروت: دارالفکر - دارصادر، ۱۴۱۴ق.
۹. اخترشهر، علی؛ اسلام و توسعه؛ تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶.
۱۰. اس.پنگ. الیزابت؛ رهنمودهایی برای تقویت خواندن؛ ترجمه احمد شریفان؛ تهران: کتاب مهربان، ۱۳۸۴.
۱۱. برنامه توسعه سازمان ملل متحد؛ گزارش توسعه انسانی ۱۹۹۴؛ ترجمه قدرت‌الله معمارزاده؛ تهران: سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۴.
۱۲. بروجردی، آقا حسین؛ جامع أحادیث الشیعة؛ تهران: فرهنگ سبز، ۱۳۸۶.
۱۳. بهمنی، سعید؛ «تک نگارهای قرآنی: معیار پژوهش قرآنی»؛ پژوهش‌های قرآنی؛ ش ۵۷، ۱۳۸۸.
۱۴. تمیمی آمدی؛ غرر الحکم و درر الکلم؛ چ ۲، قم: دار الکتاب الإسلامی، ۱۴۱۰ق.
۱۵. جهانی، جعفر؛ پرورش خلاقیت از نظریه تا عمل؛ قم: پژوهشکده مطالعات فرهنگ اجتماعی، ۱۳۸۸.
۱۶. چپرا، محمد عمر؛ اسلام و چالش اقتصادی؛ ترجمه سیدحسین میرمعزی و همکاران، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۴.
۱۷. حرّ عاملی؛ وسائل الشیعة؛ قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۹ق.
۱۸. حسین زاده، محمد؛ پژوهش تطبیقی در معرفت‌شناسی معاصر؛ قم: مؤسسه امام خمینی علیه‌السلام، ۱۳۸۲.
۱۹. حسین زاده، محمد؛ مبانی معرفت دینی؛ چ ۳، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام، ۱۳۸۰.
۲۰. خلیلیان اشکذری، محمد جمال؛ شاخص‌های توسعه اقتصاد از دیدگاه اسلام؛ قم: مؤسسه امام خمینی علیه‌السلام، ۱۳۹۰.
۲۱. _____؛ فرهنگ اسلامی و توسعه اقتصادی؛ قم: مؤسسه امام خمینی علیه‌السلام، ۱۳۸۱.

۲۲. خلیلیان اشکذری، محمدجمال و سیدحمید جوشقانی نائینی، محمد بیدار و قاسم عسکری؛ «مبانی و معیارهای پیشرفت انسانی از دیدگاه اسلام»؛ فصلنامه معرفت اقتصادی، ش ۸، ۱۳۹۲.
۲۳. خلیلی تیرتاشی، نصرالله؛ معیارها و شاخص‌های توسعه انسانی در اسلام؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۹.
۲۴. دهخدا، علی‌اکبر؛ لغت‌نامه دهخدا؛ تهران: انتشارات دانشگاه تهران، دوره جدید، ۱۳۷۳.
۲۵. دیلمی، حسن؛ إرشاد القلوب إلى الصواب؛ قم: ناشر الشریف الرضی، ۱۴۱۲ق.
۲۶. _____؛ إرشاد القلوب؛ ترجمه سیدعباس طباطبایی، چ ۵، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۷۶.
۲۷. راغب اصفهانی، حسین؛ المفردات فی غریب القرآن؛ بیروت: دارالعلم الدارالشامیة، ۱۴۱۲.
۲۸. روح‌الامینی، محمود؛ زمینه فرهنگ‌شناسی؛ چ ۵، تهران: عطار، ۱۳۷۹.
۲۹. شریف الرضی؛ نهج البلاغة (صبحی صالح)؛ قم: هجرت، ۱۴۱۴ق.
۳۰. شهرآرای، مهرناز و رضا مدنی‌پور؛ «سازمان خلاق و نوآور»؛ دانش مدیریت، ش ۳۳-۳۴، ۱۳۷۵.
۳۱. صانعی، پرویز؛ جامعه‌شناسی ارزش‌ها؛ تهران: گنج دانش، ۱۳۷۲.
۳۲. صباغی‌فیروزآبادی؛ معیارها و شاخص‌های تدوین بودجه در اسلام؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد مؤسسه امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۱.
۳۳. طباطبایی، سیدمحمدحسین؛ المیزان؛ چ ۵، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ق.
۳۴. عسکری، حسن بن عبدالله؛ الفروق فی اللغة؛ بیروت: دارالآفاق الجديدة، ۱۴۰۰ق.
۳۵. عمرانی، ابراهیم؛ «مطالعه مفید چیست؟ آنچه که من می‌گویم بخوانید؟»؛ سخن هفته، ش ۱۱۰، ۱۳۹۱.
۳۶. عمید، حسن؛ فرهنگ عمید؛ تهران: انتشارات ابن‌سینا، ۱۳۴۳.
۳۷. عیسوی، محمود؛ «بررسی روابط دین و توسعه اقتصادی»؛ مجموعه مقالات اولین همایش اسلام و توسعه اقتصادی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۶.
۳۸. کلینی، محمدبن یعقوب؛ أصول کافی؛ ترجمه محمدباقر کمره‌ای؛ چ ۳، قم: اسوه، ۱۳۷۵.
۳۹. لیبی واسطی، علی بن محمد؛ عیون الحکم و المواعظ؛ قم: دارالحدیث، ۱۳۷۶.

۴۰. مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام؛ الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا علیه‌السلام؛ مشهد: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۶ق.
۴۱. مایکل، تودارو؛ توسعه اقتصادی در جهان سوم؛ ترجمه غلام‌علی فرجادی؛ تهران: انتشارات برنامه و بودجه، ۱۳۷۰.
۴۲. متوسلی، محمود؛ توسعه اقتصادی؛ تهران: سمت، ۱۳۸۲.
۴۳. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الأنوار؛ ج ۲، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۴۴. محدث‌نوری، میرزاحسین؛ مستدرک الوسائل؛ مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، قم، ۱۴۰۸ق.
۴۵. مسعودی، علی‌بن‌حسین؛ إثبات الوصية للإمام علی بن‌أبي طالب علیه‌السلام؛ ج ۳، قم: انصاریان؛ ۱۳۸۴.
۴۶. مصباح‌یزدی، محمدتقی؛ آموزش فلسفه؛ ج ۲، تهران: چاپ و نشر بین‌الملل، ۱۳۷۹.
۴۷. معین، محمد؛ فرهنگ معین؛ ج ۴، تهران: سپهر، ۱۳۶۰.
۴۸. مکارم‌شیرازی، ناصر؛ أنوار الفقاهاة؛ قم: مدرسة الإمام علی بن‌أبي طالب علیه‌السلام، ۱۴۲۵ق.
۴۹. _____؛ تفسیر نمونه؛ تهران: دار الکتب الإسلامیه؛ ۱۳۷۴.
۵۰. منسوب به جعفر بن محمد علیه‌السلام؛ مصباح الشریعة؛ بیروت: اعلمی ۱۴۰۰ق.
۵۱. نظری، حسن‌آقا؛ «توسعه سرمایه انسانی براساس آموزه‌های اسلام و تأثیر آن بر توسعه انسانی»؛ فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، س ۷، ش ۲۷، ۱۳۸۶.
۵۲. واسطی، شیخ عبدالحمید؛ نگاه سیستمی به دین؛ مشهد: مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلامی، ۱۳۸۸.
۵۳. ورام‌بن‌أبی‌فراس؛ مجموعه ورام، آداب و اخلاق در اسلام؛ مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹.

54. Dewey, John; "Democracy and Education"; The Free Press, 1944.